

اشاره:

بزرگ‌ترین آرمان اقتصادی کشور در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رهایی از وابستگی به صادرات نفت بوده است. تمامی تلاش‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب و به‌ویژه در دوران سازندگی پس از خاتمه جنگ تحمیلی صورت گرفت، برای بازسازی و نوسازی بنیان‌های اقتصادی کشور با هدف کاهش اتکا به درآمد ارزی ناشی از نفت بوده است.

با گذشت این سال‌ها و تلاش و برنامه‌ریزی مسؤولان و مردم، متخصصان و پژوهشگران و... هنوز استعدادهای مادی و معنوی جامعه به‌طور کامل به مرحله بهره‌برداری نرسیده است. یکی از بخش‌هایی که بیش از دیگر بخش‌های اقتصادی مورد کم‌توجهی واقع شده، بخش معدن می‌باشد. این بخش از جایگاه واقعی خود را در اقتصاد کشور نیافته و نتوانسته است سهم خود را در تنوع‌بخشی به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات ادا کند.

با استعدادهای و توانمندی‌های موجود در کشور و با عنایت به ذخایر متنوع و غنی زیرزمینی، توجه به بخش معدن در رشد تولید ناخالص داخلی، ایجاد فرصت‌های شغلی و نیز افزایش صادرات غیرنفتی، مؤثر خواهد بود. در این گزارش به عملکرد صادرات این بخش توجه داریم.

در سرزمین پربرکت ایران اسلامی بیش از ۲۴ میلیارد تن ذخایر متنوع معدنی نهفته است. مهم‌ترین منابع و ذخایر کشف شده تاکنون، سنگ آهن با ۴/۷ میلیارد تن، سنگ مس با حدود ۲/۶ میلیارد تن، زغال‌سنگ با ۲ میلیارد تن ذخیره اثبات شده می‌باشند.

بیش از ۲۴۵۰ واحد معدن فعال در رشته‌های گوناگون در ایران وجود دارد که حدود ۷۵ درصد آنها برای فعالیت به بخش‌های تعاونی و خصوصی واگذار شده‌اند.

با وجود ذخایر غنی و متنوع بخش معدن، سهم آن در تولید ناخالص داخلی در حدود ۳/۵ درصد و در صادرات غیرنفتی کمتر از یک درصد می‌باشد که سهمی قابل‌توجه و متناسب با ذخایر معدنی نیست.

یکی از برنامه‌های اصلی که در دوران سازندگی پیگیری شد، صرف‌نظر نمودن از صدور مواد خام معدنی و فرآوری آنها برای صادرات بوده است. این سیاست نکته روشن و دلگرم‌کننده‌ای دارد، اما متأسفانه سرمایه‌گذاری‌های مناسب برای دستیابی به این هدف روشن و عقلایی جز در مورد چند

نقش راهبردی بخش معدن در تنوع صادرات غیرنفتی



ماده معدنی صورت نگرفته است. به همین جهت سهم بخش معدن در تولید ناخالص داخلی نازل مانده است.

○ اجتناب از صدور مواد معدنی خام، اقدامی عقلایی است، اما متأسفانه سرمایه‌گذاری‌های مناسب برای فرآوری مواد معدنی جز در چند رشته خاص، صورت نگرفته است.

به عقیده کارشناسان این پدیده، علل روشنی دارد که باید در برطرف ساختن آنها دولت، بخش تعاونی و خصوصی با همیاری، همفکری و هماهنگی، نقش فعالی ایفا کنند. کارشناسان معتقدند که وجود مقررات دست‌وپاگیر در بخش فعالیت معادن و صادرات مواد معدنی، سرمایه‌گذاری نازل در سال‌های اخیر، تشریفات اداری طولانی، بی‌توجهی مسؤولان دولتی و... از علل عقب‌ماندگی فعالیت‌های بخش معدن می‌باشد.

آنها امیدوار هستند که با تصویب مقررات اکتشاف و بهره‌برداری از معادن کشور، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های اجرایی نیز با سهولت و روانی بیشتر، تنظیم و اعلام شوند، تا در شکستن رکود فعالیت بخش معدن مؤثر باشند.

بر اساس آمار منتشره از سوی گمرک جمهوری اسلامی ایران، صادرات مواد معدنی از ۷۴۸/۸ هزار تن در سال ۷۳ با ۷۳ درصد رشد به یک میلیون و ۲۹۲ هزار تن در سال ۷۴ رسید. اما در سال ۷۵ صادرات این مواد با ۴۲ درصد کاهش نسبت به سال ماقبل به ۴۱۹ هزار تن بالغ شد. ارزش صادرات مواد معدنی نیز طی همین مدت از ۶۳ میلیون دلار در سال ۷۳ به ۶۲ میلیون دلار در سال ۷۴ افزایش یافت و سپس در سال ۷۵ با ۵۶ درصد کاهش نسبت به سال قبل از آن به ۲۸ میلیون دلار محدود شد. در همین دوره زمانی، سهم مواد معدنی در مجموعه صادرات غیرنفتی نیز از ۱/۴ درصد در سال ۷۳ به ۲/۱ درصد در سال ۷۴ و سپس به ۰/۹ درصد در سال گذشته تنزل یافت. وزیر معادن و فلزات معتقد است که قانون جدید معادن، بسیاری از مشکلات این بخش را برطرف می‌کند و موجب تحول آن می‌شود.

وی گفت: علاوه بر اعتبارات پیش‌بینی شده در برنامه دوم، ۱۰ میلیارد دلار در بودجه سال ۷۷ برای توسعه صنعت منظور شده که در بخش نفت، صنایع و معادن و فلزات هزینه خواهد

شد.

برخی کارشناسان اظهار می‌دارند که روند افزایش صادرات مواد معدنی و فلزی تا سال ۷۴ در حالی ادامه داشت که بهای فلزات در بازارهای جهانی به شدت کاهش یافته و به حدود نصف قیمت آن رسیده بود.

آنها می‌گویند: ارزش صادرات مواد معدنی و فلزی در برنامه اول (۷۲-۱۳۶۸) به طور متوسط سالانه ۲۸/۳ درصد رشد داشت و این امر از ضرورت گسترش صادرات غیرنفتی و کاهش اتکا به ارز حاصل از نفت، ناشی شد.

آنها می‌گویند: ارزش صادرات محصولات معدنی و فلزات از آغاز اجرای نخستین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور تا پایان سه‌ماهه نخست سال گذشته به ۲/۵ میلیارد دلار رسید، اما پس از آن رکود صادرات تعقیق پیدا کرد.

تنها در سال ۱۳۷۴ حدود ۴۲۰ میلیون دلار محصولات معدنی و فلزی صادر شد در حالی که بالاترین رقم صادرات این محصولات تا پیش از اجرای برنامه اول، مربوط به سال ۶۷ و به میزان ۱۴۷ میلیون دلار بود.

با این وجود، صادرات محصولات معدنی و فلزی در سال ۷۴ تحت تأثیر سیاست اتخاذ شده برای تنظیم بازار داخلی و صدور کالا به بازارهای خارج به مراتب از رقم ۶۱۱ میلیون دلار ثبت شده برای سال ۷۳ کمتر بود. این روند کاهش که از سال ۷۴ آغاز شد، در سال گذشته از شدت و حدت بیشتری برخوردار گردید و تنها در بخش معدن، حدود ۵۰ درصد کاهش ارزش صادرات را به ثبت رساند.

○ روند افزایش صادرات مواد معدنی و فلزی تا سال ۷۴ در حالی ادامه داشت که بهای این مواد در بازارهای جهانی سیر نزولی طی می‌کرد. اتخاذ سیاست‌های جدید برای تنظیم بازار داخلی و صدور کالاهای غیرنفتی، از دلایل سقوط صادرات مواد معدنی در سال ۷۵ بود.

کارشناسان معتقد هستند که تغییر سیاست و نحوه عمل در تشریفات مربوط به صدور مواد معدنی، اعطای معافیت‌های تشویقی در پیمان ارزی صادرات برخی مواد مانند سنگ‌های ساختمانی، معافیت‌های تشویقی در پیمان ارزی، صادرات در



ابزارشان برخوردار می‌باشند. به همین جهت بهره‌وری نیروی کار در این بخش نازل است و عملاً مزیت نسبی مربوط به آن را از بین می‌برد. به ویژه آنکه بخش معدن به استفاده نیروی کار ماهر و آشنا با استفاده از تجهیزات و ماشین‌آلات سنگین این بخش نیاز مبرمی دارد.

با عنایت به این امر که معادن در واقع از انفال به حساب می‌آیند که مالکیت عمومی دارند، و فقط برای دوره محدودی (طبق قانون جدید ۲۵ سال) از سوی دولت به عنوان نماینده و وکیل مردم به بهره‌برداران خصوصی واگذار می‌شود، ضرورت دارد که در بخش معدن نیروی انسانی ماهر و متخصص فعالیت کند تا ضمن افزایش بهره‌وری و بهره‌برداری بهینه از منابع، منابع کشور را تلف نسازد.

به عقیده کارشناسان، ضعف نیروی انسانی و مدیریت در بخش معدن سبب شده است که بخشی از تولیدات معدنی با وجود مزیت‌های نسبی (فراوانی نخایر معدنی، ارزانی انرژی مصرفی و نیروی کار) قابل رقابت در بازارهای جهانی نباشد. به همین جهت صادرات مواد معدنی تحت تأثیر کیفیت نامطلوب و غیراستاندارد و قیمت تمام‌شده بالا قابلیت رقابت ندارد و در سطح نازلی باقی مانده‌اند.

آنها با اشاره به ضرورت سرمایه‌گذاری در بخش فرآوری مواد معدنی برای کسب ارزش افزوده بیشتر برای تولید ناخالص داخلی و درآمد ارزی بالاتر در مجموعه صادرات غیرنفتی می‌گویند: افزایش بهره‌وری و تلاش برای کاهش

برابر واردات لوازم و ابزار موردنیاز بخش معدن و فرآوری مواد معدنی، کاهش پرداخت‌های مختلف به نهادهای گوناگون دولتی، رعایت استاندارد در کیفیت محصولات معدنی، ایجاد تسهیلات بانکی متناسب با نیاز بهره‌برداران و صادرکنندگان مواد معدنی، حذف ماده ۷۱ یا تقلیل قانون وصول برخی از درآمدها و مصرف آن در موارد معین از سوی مجلس شورای اسلامی (در زمینه فروش محصولات معادن سنگ‌های ساختمانی و تزئینی) و... می‌تواند در رشد فعالیت‌های تولیدی و صادراتی بخش معدن مؤثر باشد.

○ وجود مقررات دست‌وپاگیر در بخش تولید و صادرات مواد معدنی، سرمایه‌گذاری نازل در بخش معدن، تشریفات اداری طولانی و زاید و بی‌توجهی مسؤولان به بخش معدن، از علل عقب‌ماندگی آن است.

با توجه به اهمیت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی برای توسعه فعالیت معادن، می‌بایست ابزارهای قانونی، حمایتی و تشویقی سرمایه‌گذاری این بخش فراهم شود تا بتوان به رشد مستمر آن امید داشت.

کارشناسان می‌افزایند: متأسفانه کارگران و نیروهای فعال در بخش معدن، از کمترین آموزش و آگاهی نسبت به کار و

بخش معدن نمی‌باشند و در این راستا، فعالیت گسترده شرکت سرمایه‌گذاری معدن ضروری است.

کارشناسان با تأکید بر ضرورت اجتناب از صدور مواد معدنی خام در بلندمدت می‌افزایند: در کوتاه‌مدت می‌توان از صدور این‌گونه مواد، منابع ارزی موردنیاز اجرای طرح‌های فرآوری را تأمین کرد و ظرف پنج سال به توفیق چشمگیری دست یافت به‌گونه‌ای که می‌توان پس از آن صدور مواد خام معدنی را ممنوع کرد، اما تا آن زمان، ضرورت دارد که تسهیلات لازم برای صدور مواد خام معدنی و استفاده از تمام ارز حاصل از صادرات آن برای واردات ماشین‌آلات و ابزار و تجهیزات موردنیاز توسعه بخش و راه‌اندازی طرح‌های فرآوری، فراهم شود و دولت حمایت قوی از این قضیه داشته باشد.

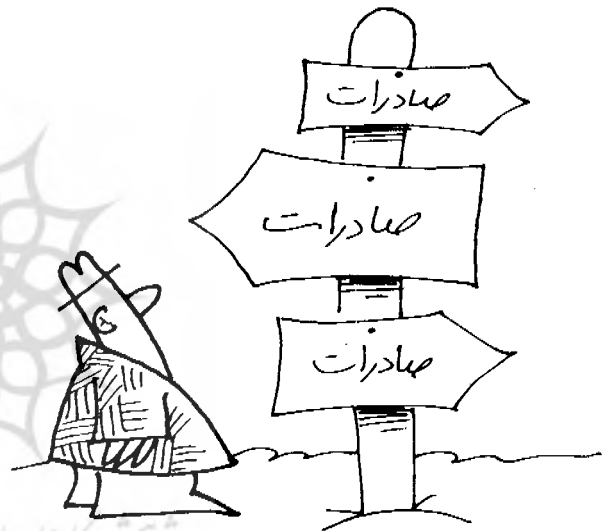
قرار است صادرات بخش معدن (پودر معدنی و سنگ‌های تزئینی) در پایان برنامه دوم به سالانه ۳۰۰ میلیون دلار برسد. دستیابی به چنین هدفی در حالی که سال گذشته کل صادرات مواد معدنی کشور کمتر از ۲۰ میلیون دلار بوده است، ابتدا سهل به نظر نمی‌رسد، زیرا که می‌باید ظرف دو سال ارزش صادرات مذکور ۱۰ برابر شود. اما با اندک فعالیت برای رعایت استانداردهای تولید، ارتقاء بهره‌وری نیروی کار و رفع موانع صادرات مواد معدنی، قابل تحقق می‌باشد.

○ می‌توان صدور مواد خام در کوتاه‌مدت را برای جمع‌آوری ارز موردنیاز راه‌اندازی واحدهای فرآوری این مواد، مدنظر قرار داد و از مواهب آن در بلندمدت بهره گرفت.

به عقیده کارشناسان، ضرورت دارد که دولت در تنظیم و اعلام آیین‌نامه‌های اجرایی قانون جدید معادن، اهتمام و سرعت عمل به خرج دهد و در دو سال باقی‌مانده از برنامه دوم، توجه ویژه‌ای به بخش معدن نشان دهد و حمایت‌ها و تشویق‌های لازم را مقرر دارد.

هزینه تولید به‌ویژه در معادن، از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند به صادرات این بخش کمک کند.

○ بهره‌وری نیروی کار فعال در بخش معدن، نازل است و به همین جهت نمی‌توان از مزیت‌های نسبی این بخش (منابع غنی، انرژی ارزان و در دسترس و کارگر ارزان) برای حضور فعال در بازارهای جهانی استفاده کرد.



آنها به واگذاری معادن به مردم از طریق مشارکت دادن آنها در بورس، اشاره دارند و می‌گویند: هزینه‌های سرمایه‌گذاری در بخشی از ذخایر معدنی برای به‌تولید رساندن و فرآوری مواد آن بسیار زیاد است و تأمین این سرمایه‌گذاری به سهولت میسر نمی‌باشد، زیرا که با وجود مقررات کنونی، کمتر سرمایه‌گذاری علاقه‌مند به انجام سرمایه‌گذاری‌های کلان می‌باشد، انگیزه برای سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی ضعیف است، در حالی که با جذب مشارکت مردمی بهتر و آسان‌تر می‌توان این منابع را تجهیز کرد.

این گروه می‌گویند: متأسفانه نظام بانکی و حتی بانک تخصصی صنعت و معدن، تحت‌تأثیر اتحاد سیاست‌های پولی انقباضی، قادر به تأمین منابع موردنیاز سرمایه‌گذاری در

